

بررسی جایگاه مدیریت در ادب فارسی

کامران پاشایی فخری و پروانه عادل زاده

(اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

سرشناسه	:	پاشایی فخری، کلمران، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	بررسی جایگاه مدیریت در متون ادب فارسی/ پژوهش و نگارش کلمران پاشایی فخری و پروانه عادلزاده
مختصات نشر	:	تبریز: مولی علی، ۱۳۹۱.
مختصات ظاهری	:	۱۹۰ ص.
شابک	:	3-18-6042-600-978-۱۱۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	مدیریت در ادبیات
شناسه افزوده	:	پروانه عادلزاده ۱۳۵۳-
رده بندی کنگره	:	۲۴۴۲PIR / م۲پ ۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	:	۰/۹۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۷۵۲۰۲۹

بررسی جایگاه مدیریت در متون ادب فارسی

مولفان: کلمران پاشایی فخری و پروانه عادلزاده (اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

ناشر: مولی علی

حروف چینی، صفحه‌آرایی و مجسمه فنی: موسسه‌ی چرخ نیلوفری آذربایجان

طرح روی جلد: شادی کوباهی

لیتوگرافی: نگین فیلم

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

صحافی: آما

چاپ: امید

ISBN: 978-600-6042-18-3

شابک: ۳-۱۸-۶۰۴۲-۶۰۰-۹۷۸

کلیه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

مراکز پخش: انتشارات مولی علی، خیابان شریعتی شمالی، ساختمان وجدان دوست ۱۳۰، طبقه اول واحد یک

تلفن: ۵۵۴۴۹۷۷-۰۴۱۱

انتشارات شایسته خیابان امام ره سه راهی طالقانی تلفن: ۵۵۶۱۹۶۱-۰۴۱۱

فهرست مطالب

	فصل یکم
	معرفی کتب مرجع کتاب
۱۷	معرفی کتب مرجع کتاب
۱۷	قابوسنامه عنصرالمعالی
۱۹	سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک توسی
۲۳	کليلة و دمنه
۲۴	اسکندرنامه نظامی
۲۶	منطق‌الطیر عطار نیشابوری
۲۷	مرزبان‌نامه
۲۸	اخلاق ناصری
۳۳	بوستان سعدی
۳۵	گلستان سعدی
	فصل دوم
	بررسی دیدگاه‌های برخی نظریه‌پردازان علم مدیریت
	و تبیین نگرش‌های ادیبان و شاعران ادب فارسی
۴۱	بررسی دیدگاه‌های برخی نظریه‌پردازان علم مدیریت و تبیین نگرش‌های ادیبان و شاعران ادب فارسی
۴۲	ویژگی‌های مدیران و اصول مدیریت
۴۴	اصل هدایت و رهبری
۶۴	اطاعت از خدا
۶۶	اندیشه اصلاح جامعه
۶۸	راضی بودن به رضای الهی
۶۸	پرهزگاری و پارسایی
۶۹	بخشایش
۷۱	فانی دانستن دنی
۷۲	خوارداشت ملک و جاه
۷۳	ارج نهادن به عرفان
۷۴	صدور احکام بر اساس اوامر الهی
۷۵	خداترسی
۷۶	شکرگزاری
۷۶	دین پژوهشی
۷۹	جوانمرد، خوش خلق و بخشنده بودن
۸۰	صبر و فروتنی
۸۲	کبر نورزیدن و کنترل خشم
۸۲	مبارزه با هوای‌های نفسانی و مادی‌گرایی
۸۴	پرهیز از تجملات
۸۵	الگو برداری از بزرگان (Benchmarking)

۸۶	مقبولیت مردمی
۸۷	راست‌گفتاری، راست‌کرداری و خردمندی
۸۷	امانت‌داری
۸۸	بخشنده‌گی
۸۹	بلند‌نظری
۹۰	اصل و نسب داشتن
۹۰	اصل بر نامه‌ریزی
۹۲	مشاوران و دانا‌یان
۹۲	تدبیر و عاقبت‌نگری
۹۳	مقابله با شایعه‌پراکنان
۹۳	غنیمت شمردن فرصت‌ها
۹۴	احتراز از آموزش فرومایگان
۹۵	احتراز از تربیت ناهلان
۹۵	نکوداشت علما و مرمندان
۹۶	ترویج شایسته‌سالاری
۱۰۰	بهره‌مندی از وزرای دین‌دار و دانا
۱۰۲	رعایت حال عزل‌شدگان
۱۰۳	رفتار مناسب با سپاهیان
۱۰۴	دل دشمن آینه عیب‌نماست
۱۰۵	مدارا با دشمن
۱۰۶	حفظ آبروی دشمن
۱۰۷	دعای ضعیفان، عامل قدرت سپاهیان
۱۰۸	مجازات فراریان از جنگ
۱۰۸	چگونگی عتاب گناهکاران
۱۰۹	دوری از بزم هنگام رزم
۱۰۹	برقراری صلح و آشتی
۱۰۹	آزرده نکردن دشمن بعد از پیروزی
۱۱۰	مراقبت از اطرافیان پس از پیروزی
۱۱۱	توجه به مردم سرزمین‌های فتح شده
۱۱۱	هراس نداشتن در جنگ با دشمن
۱۱۲	شیوه‌ی جنگ هم‌زمان با دو دشمن
۱۱۳	اجرای کارهای بزرگ
۱۱۳	اصول سازماندهی و هماهنگی
۱۱۳	بالندگی سازمانی
۱۱۵	دادگستری و ظلم‌ستیزی
۱۱۷	خدمت و مدارا کردن با مردم
۱۱۸	حمایت از مستضعفان
۱۱۹	توجه به زیردستان
۱۲۲	رعایت حقوق مردم

۱۲۵	گره‌گشایی از کار مردم
۱۲۶	فقر زدایی
۱۲۷	ظلم، عامل زوال نظام
۱۲۸	نارضایتی موجب دوری مردم
۱۲۸	مبارزه با ظلم و فساد
۱۳۲	ایجاد امنیت اجتماعی
۱۳۲	تجاوز نکردن به مال دیگر
۱۳۳	مبارزه با ستمگران و مستکبران
۱۳۳	میدان ندادن به دزدان
۱۳۵	توجه به حال یتیمان و زندانیان
۱۳۵	مراقبت از یتیمان
۱۳۶	حفظ حقوق میراث‌خواران
۱۳۷	فراهم نمودن آسایش بازرگانان و میهمانان
۱۳۷	چگونگی انتخاب لشکریان
۱۳۸	دخالت ندادن سپاهیان در امور رعیت
۱۳۸	گسترش رفاه عمومی
۱۳۹	ایجاد اتحاد و همدلی
۱۳۹	دشمن شناسی
۱۴۱	افزودن دوستان و امان دادن به دشمنان
۱۴۲	بیم داشتن از آن‌ها که می‌ترسند
۱۴۲	کرم یا دشمن و تساهل یا دوست
۱۴۳	دقت در انتصاب و کلاهی خاص
۱۴۳	دقت در انتخاب ندیمان
۱۴۵	حفظ جایگاه‌ها
۱۴۵	حمایت از کارگزاران
۱۴۵	نوازش فرمانبران
۱۴۶	تشویق خدمتکاران شایسته
۱۴۶	بخشش به سپاهیان
۱۴۶	به خدمت نگماشتن لشکریان عاصی
۱۴۷	چگونگی آرایش نظامی
۱۴۹	نیکویی با لشکریان
۱۴۹	سیاس از لشکریان جانباز
۱۵۰	چگونگی تشویق لشکریان
۱۵۱	استفاده از جنگاوران دلاور
۱۵۲	داشتن مدیریت مالی
۱۵۳	اصل کنترل و نظارت
۱۵۳	نظارت بر اعمال وزرا
۱۵۵	نظارت بر احوال کارداران
۱۵۵	نظارت بر اعمال فرمانداران

۱۵۶	نظارت بر احوال مقطعان
۱۵۶	نظارت بر کار قاضیان
۱۵۷	نظارت بر احوال رعیت و لشکر
۱۵۸	نظارت بر کار ماموران مالیاتی
۱۵۹	نظارت بر کار پاسبانان
۱۵۹	نظارت بر احوال رسولان
۱۶۰	نظارت بر کار جاسوسان
۱۶۲	دقت در احوال بدمنهیان و منافقان
۱۶۳	نظارت بر اجرای فرمان‌ها
۱۶۴	حفظ اسرار مملکتی
۱۶۵	توصیه‌های مدیریتی ادبا
۱۶۷	نتایج و پیشنهادهای
۱۷۳	فهرست منابع و مآخذ
۱۸۷	کتاب‌نامه‌ی لاتین

پیش‌گفتار

به هندوستان اصلی شو برای مردم معنی به چین صورتی تا کی پی مردم گیا رفتن (خاقانی)

گنجینه‌ی انسانی هر اجتماع، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی آن است، این سرمایه‌های انسانی، همواره نیازمند مدیریت، رهبری، اکتشاف و استخراج است. بشر بر عکس حیوانات که مجهز به نیروی خودکار غریزه است، در هدایت نیازمند به تحصیل و اکتساب و به عبارت دیگر به رهبری و راهنمایی محتاج است. انسان‌ها و حیات روحی آن‌ها دارای قوانین و مکانیسم‌ها و فعل و انفعالات اختصاصی‌اند، اگر بخواهیم با آن‌ها تعامل مثبت داشته باشیم باید قوانین حاکم بر رفتار بشر را خوب بشناسیم و کلید و رمز شخصیتی‌شان را به دست آوریم. گشودن کتاب روح و جلب همکاری‌شان بیش از هر چیز، آگاهی و ظرافت می‌خواهد به زور؛ قوانین رفتار انسانی را باید مانند قوانین فیزیک، شیمی و فیزیولوژی کشف کرد نه وضع.

... و علم مدیریت مبتنی بر کشف چگونگی اعمال قوانین، اصول ویژه حاکم بر انسان و درک امور شخصیتی‌آحاد مردمی است که به نحوی با او در ارتباط‌اند و با تکیه بر تکنیک‌ها و ابزار لازم، گردونه‌ی تشکیلات و سازمان را به سمت هدف‌های مطلوب هدایت و رهبری می‌کنند.

هم‌چنین در متون دینی، الگوی مدیریت، رسالت انبیاست و هدف اساسی در مدیریت علمی نیز نمی‌تواند بیگانه و نامربوط به هدف اصلی رسالت‌ها باشد که این مهم به زیبایی تمام در متون ادب فارسی انعکاس و نمود پیدا کرده است. یکی از شگفتی‌های اقلیم ادب فارسی این است که تاکنون ده‌ها هزار کتاب و مقاله در باب اندیشه‌های بزرگان این کهن سرزمین به صورت و مبسوط آمده و می‌آید و هر یک به نوعی با شمع رخسار آنان عشق می‌بازد ولی هم‌چنان نشان کامل میخانه‌ی‌شان چون راه گنج از دید صورت‌پرستان مستور مانده است.

رفقیان چشم ظاهرین بدوزید که ما را در میان سری است مکتوم

همه عالم گر این صورت ببینند کس این معنی نخواهد کرد معلوم (سعدی)

جامعه‌ی ایرانی همانند جوامع متمدن دیگر، ویژگی‌های خاص خود را داراست و از آن‌جا که مدیریت در هر جامعه، رابطه‌ی مستقیمی با فرهنگ آن جامعه دارد، ضروری است که برای نهادینه کردن اصول مدیریت ایرانی، فرهنگ آن را بشناسیم و یک سلسله قوانین مخصوص‌اش را کشف کنیم. پر واضح است اعمال شیوه‌های مدیریت، جزء از طریق تفسیر و انطباق ادبیات با مقتضای احوال عصر، مطالبات اجتماعی میسر نخواهد بود و موشکافی در متون ادبیات پارسی به عنوان گنجینه‌ی فعالیت‌های عقلی و ذوقی ایرانیان، قطعاً این امکان را میسر می‌کند که در تبیین

برنامه‌های استراتژیک این ملت کمتر به خطا رویم. پژوهشگری که بخواهد درباره‌ی مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه تحقیق کند ولی آثار بزرگان ادب پارسی را نادیده بگیرد، در حقیقت خود را از فعالیت‌های عقلی برگزیدگان یک ملت متفکر و هوشمند محروم ساخته است.

این حقیقت که به متون ادبیات فارسی، غالباً غیرعلمی نگاه شده و انس علمی و شناختی این هنر آبی در ادوار تاریخی، کمتر مورد عنایت جان‌های تشنه‌ی معرفت بوده است، بر هیچ اندیشه‌مندی مکتوم نیست. القصه نگارنده‌ی این کتاب سعی کرده است گوشه‌هایی از این در مکتون را در حد وسع و توان خود از منظر مدیریتی به پیشگاه ایرانیان علم و فضل عرضه دارد به امید آن که اکسیرسازان عصر روشنائی این فلز کم بها را به زر ناب بدل کنند تا ادبیات پارسی از رکودی که سال‌هاست با آن دست به گریبان است، رهایی یابد.

پوشیده نیست خلق هر کار جدیدی، با فراز و فرودهای بسیار توأم است، نگارنده نیز با شوق درونی، ناملايمات طریقت را با همراهی پیشوایانی عالم به جان دوست‌تر داشته تا بخشی از این آیین‌های جهانی علم و دانش (ادبیات فارسی) هر چه افزون‌تر بر ادب‌دوستان شکوف شود

متون ۹گانه‌ی ادب پارسی به همراه آیات نورانی قرآن کریم در این کتاب از منظر مدیریتی مورد مذاقه، تبیین و تحلیل قرار گرفته است ولی بی‌گمان، تفاوت و تشابه نگرشی هر یک از نظریه‌پردازان ایرانی و غیرایرانی، واقعیت‌های انکارناپذیری چون زاویه‌ی دید، مقتضای زمان و مکان و ایدئولوژی مخصوص آن را بیش‌تر می‌نمایاند. باغ بی‌خزان شهسواری چون سعدی، خواجه نظام‌الملک، قابوس

بن وشمگیر، خواجه نصیرالدین توسی، عطار نیشابوری، نظامی گنجه‌ای و نویسندگان فکور مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه، هر چند از برخی جنبه‌ها به علم مدیریت پرداخته لکن دانشگاهی ساخته‌اند که طالب را بر حسب مراتب پیش و استعداد از صورت تا معنا راهنمایی می‌کنند.

تدوین این کتاب، فراتر از ایجاب دانشگاهی در واقع عمل به توصیه‌ی حضرت مولانا برای دمیدن روحی نو در قالب حرف کهن فرهنگ ما نیز است. همان فرهنگی که اکنون آماج انواع تطاول‌هاست و به مدیران ما القاء می‌کند و تا حدی باورانده است که خود قورباغه‌ای نداریم که قورت دهیم! آری ملت قدیمی ایران مشکلی دارند و آن قدیمی بودن است تا با حسرت بگویند: خوشا به حال نورسیدگان علم!

این کتاب، تلاشی ناچیز و همتی دلسوزانه در راه نشان دادن ظرفیت الهام بخش علم و دانش ایرانی است ولی هرگز نمی‌توان ادعا کرد که واری اتری به تمام و کمال معنای آن راه می‌یابد بلکه نکات عمیق‌تری را برای بررسی آیندگان، ناخواسته باقی می‌گذارد.

همه سوز ناتمام، همه درد و آرزویم به گمان دهم یقین را که شهید جستجویم